



پردیس بین الملل
گروه روابط بین الملل (MS)

موضوع:

نقش فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و
ارائه مدلی برای دیپلماسی فرهنگی براساس نظر خبرگان

از

محمد مجاور شیخان

استاد راهنما

دکتر امیرنیاکویی

استاد مشاور

دکتر احمدجانسیز

اسفند ۱۳۹۱

تقدیم بہ:

پدر و مادرم بہ خاطر زحمات بی دریغشان،

ہمسررم کہ سایہ مہربانیش سایہ سار زندگیم می باشد، او کہ اسوہ صبر و تحمل بودہ و مشکلات مسیر را برایم تسہیل و صبورانہ و صادقانہ

من را ہمراہی نمود و تنہا پسررم.

سپاسگزاری

سپاس فراوان خدای یکتا را که با الطاف خویش، توان درک معانی و بیان اندیشه ها را به آدمی ارزانی داشت و پیمودن راه کمال و مراتب عالی انسانی را برای او ممکن ساخت.

در نگارش رساله حاضر از راهنمایی ها و کمک های عزیزان بسیاری بهره برده ام که تقدیر و تشکر از آنان را بر خود لازم می دانم.

از استادان فرزانه و گرانمایه جناب آقای دکتر امیرنیاکویی استاد محترم راهنما و جناب دکتر احمدجانسیز ، به عنوان استاد محترم مشاور و جناب آقای دکتر رضاسیمبر، به عنوان استاد محترم داور که با راهنمایی ها و تذکرات دلسوزانه خویش یاریگر نگارنده بوده اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم .

در پایان از خداوند بزرگ برای همه عزیزانی که در این راه مشوق و پشتیبان من بوده اند، سلامتی شادکامی و بهروزی آرزومندم.

فهرست مطالب

ی	چکیده فارسی
ک	چکیده انگلیسی
۱	فصل اول :
۱	کلیات تحقیق
۲	مقدمه :
۴	بیان مسئله :
۶	اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق :
۷	سئوالات اصلی تحقیق :
۷	اهداف تحقیق :
۹	کاربان :
۱۰	روش تحقیق :
۱۰	روش گردآوری اطلاعات :
۱۰	قلمرو موضوعی و مطالعاتی تحقیق :
۱۱	متغیرهای تحقیق :
۱۱	تعاریف عملیاتی متغیرها
۱۱	فرضیه های تحقیق :

۱۲	جامعه آماری:
۱۲	قلمرو زمانی تحقیق:
۱۲	روش تجزیه و تحلیل داده ها:
۱۳	فصل دوم:
۱۳	بررسی ادبیات و چهارچوب نظری:
۱۴	بخش اول: معنی و مفهوم فرهنگ:
۱۴	۱-۱- معنی و مفهوم فرهنگ:
۱۷	۱-۲- اهمیت و جایگاه بنیادین فرهنگ:
۱۸	۱-۳- ویژگی های فرهنگ:
۱۹	۱-۴- انواع فرهنگ:
۲۲	۱-۵- عوامل مؤثر بر تغییر و تحول فرهنگ:
۲۷	ویژگی های فرهنگ اسلامی و ایرانی:
۳۲	بخش دوم: فرهنگ در عرصه سیاست و روابط بین الملل:
۳۲	روابط بین الملل:
۳۹	فرهنگ در روابط بین الملل:
۴۲	۱- فرهنگ و سیاست:
۴۳	۲- فرهنگ، سیاست خارجی و روابط بین الملل:
۵۶	۳- جهانی شدن، فرهنگ جهانی و هویت:

- بخش سوم: تاثیر فرهنگ در روابط بین الملل و سیاست خارجی از منظر تئوری (چارچوب نظری) ۶۰
- ۱-۴- نظریه سازه انگاری: ۶۱
- چارچوب تحلیلی سازه انگارانه در روابط بین الملل ۶۱
- ۲- گفت و گوی بین فرهنگی (با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس) ۷۱
- ۱- روابط بین فرهنگی ۷۱
- ۲- سازوکارهای روابط بین فرهنگی: ۷۳
- ۳- ضرورت های گفت و گوی بین فرهنگی ۷۹
- ۳- بررسی نظریه همگرایی: ۸۰
- ۴- بررسی تئوری قدرت نرم: ۸۸
- مفهوم قدرت نرم: ۸۸
- منابع قدرت نرم ۹۱
- بخش سوم: نگاهی به سیاست خارجی: ۹۲
- تعریف سیاست خارجی: ۹۲
- خصوصیات عمده سیاست خارجی ایران: ۹۴
- بنیان های سیاست خارجی ایران ۹۵
- عوامل موثر بر سیاست خارجی ایران ۹۵
- تاثیرات تحولات نرم افزاری در سیاست خارجی: ۹۶
- مبانی فرهنگی - اجتماعی سیاست خارجی ۹۷

۱۰۶	تحلیل گفتمان ها، نگرش ها درسیاست خارجی ایران
۱۰۹	دوره پنجم سیاست خارجی ج.ا.ا؛ سیاست خارجی فعال و ایدئولوژیک از سال ۱۳۸۴ تاکنون
۱۱۴	سیاست فرهنگی خارجی به منزله جزء لاینفک سیاست خارجی
۱۱۶	مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک
۱۱۹	بخش ششم: دیپلماسی فرهنگی
۱۱۹	دیپلماسی
۱۲۱	ویژگیهای اصلی دیپلماسی:
۱۲۲	فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی
۱۲۲	برنامه های دیپلماسی عمومی شامل:
۱۲۴	رویکرد ارتباطات بین فرهنگی
۱۲۵	دیپلماسی دیجیتال در عصر اطلاعات:
۱۲۶	زمینه ها و ضرورت های کاربرد دیپلماسی دیجیتال
۱۲۸	نگاهی به تعاریف دیپلماسی فرهنگی:
۱۲۹	اهداف دیپلماسی فرهنگی:
۱۳۳	ابزار و روشهای دیپلماسی فرهنگی:
۱۳۵	بخش هفتم: بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی سایر کشورها
۱۵۱	فصل سوم:
۱۵۱	روش شناسی

۱۵۲.....۳-۱- روش کار تحقیق و نحوه گردآوری اطلاعات

۱۵۲.....۳-۲- ابزار جمع آوری اطلاعات

۱۵۹..... یافته های تحقیق

۱۶۰..... تجزیه و تحلیل داده ها

۱۶۰.....۴-۱- آمار توصیفی

۱۶۰.....۴-۱-۱- مشخصات فردی جامعه نمونه

۱۶۱..... • نوع استخدامی

۱۶۱..... • مدرک تحصیلی

۱۶۳..... • عنوان سمت در داخل و خارج از کشور

۱۶۴..... • شغل و مسئولیت فعلی

۱۶۵..... • مدت سابقه در خارج از کشور به سال

۱۶۶..... • مدت سابقه کار به سال :

۱۶۷.....۴-۱-۲- بررسی توصیفی پرسشنامه: بخش اول

۲۴۱.....۴-۲-۳- بررسی توصیفی پرسشنامه: بخش دوم (نقطه ضعف و قوت، فرصت ها و تهدید ها):

۱. ضعف های روابط فرهنگی ج.ا.ایران مورد اشاره در جدول زیر به چه میزان از درجه اهمیت

۲۴۲..... برخوردار است ؟

۲. قوت های روابط فرهنگی ج.ا.ایران مورد اشاره در جدول زیر به چه میزان از درجه اهمیت

۲۴۳..... برخوردار است ؟

۳. تهدیدات روابط فرهنگی ج.ا.ایران مورد اشاره در جدول زیر به چه میزان از درجه اهمیت برخوردار است؟ ۲۴۵
۴. فرصت های روابط فرهنگی ج.ا.ایران مورد اشاره در جدول زیر به چه میزان از درجه اهمیت برخوردار است؟ ۲۴۶
- ۲-۴) آمار استنباطی: ۲۴۸
- فرضیه اول: بین مؤلفه های فرهنگی و سیاست خارجی رابطه وجود دارد: ۲۴۸
- فرضیه دوم: بین سازو کارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان و ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسبی وجود ندارد. ۲۵۰
- فرضیه سوم: بین مطالعه تطبیقی الگوی دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی ایران رابطه وجود دارد. ۲۵۱
- فرضیه چهارم: بین آسیب شناسی دیپلماسی فرهنگی و مدل مطلوب دیپلماسی فرهنگی رابطه وجود دارد (SWOT)..... ۲۵۲
- یافته هایی بر اساس آمار توصیفی..... ۲۶۱
- فصل پنجم..... ۲۸۰
- نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۲۸۰
- نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۲۸۱
- الف) فلسفه، اولویت های فوهندی و جغرافیایی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران : ۲۸۸
- اولین قاعده دیپلماسی فرهنگی سطح بندی ارزشهای تولیدی در حوزه دیپلماسی فرهنگی:..... ۲۸۸
- اولویت های جغرافیایی روابط فرهنگی بین المللی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها:..... ۲۸۹

- دومین قاعده بنیادین دیپلماسی فرهنگی ، تقسیم بندی و بخش کردن سیستم بین الملل :..... ۲۸۹
- ب (برنامه ها و فعالیت های فرهنگی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران :..... ۲۹۲
- ج (عوامل مربوط به ساختار و سایر متغیرهای مرتبط با الگوی مطلوب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران :..... ۲۹۳
- د) ضرورت بکارگیری مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک در حوزه دیپلماسی فرهنگی :..... ۲۹۶
- سومین قاعده بنیادین دیپلماسی فرهنگی، برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک میباشد:..... ۲۹۶
- پیشنهادات:..... ۳۱۳
- محدودیت‌های تحقیق:..... ۳۱۳
- منابع و مآخذ :..... ۳۱۶
- ضمائم..... ۳۲۴

نقش فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ارائه مدلی برای دیپلماسی فرهنگی براساس نظر خبرگان

محمد مجاور شیخان

سیاست خارجی یک کشور تا حدودی بازتاب و انعکاس دهنده کیفیت شکل گیری و اجرای سیاست خارجی آن کشور می باشد که این به نوبه خود محصولی از شرایط عمومی جامعه است . به عبارت دیگر، سیاست خارجی هر کشور از حلقه های به هم پیوسته ای از یک زنجیره طولانی مناسبات اجتماعی تشکیل می گردد که به حلقه های سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی آن کشور گره خورده است . به عبارت دیگر، سیاست خارجی پدیده ای چند وجهی است . از آنجایی که شناخت و مطالعه این حلقه های ارتباطی، مهم و با اهمیت هستند لذا اولاً بدون شناخت آنها نمی توان نحوه شکل گیری و اجرای سیاست خارجی را درک کرد، ثانیاً در جهت بهبود سیستماتیک آن نمی توان اقدامی انجام داد، ثالثاً نمی توان به شیوه مقایسه ای و تطبیقی با سایر کشورها، سیاست خارجی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد . فرهنگ یکی از عناصر کلیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می باشد و در این تحقیق نیز مؤلفه های فرهنگی تأثیرگذار در سیاست خارجی کشورمان به روش کاربردی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. با عنایت به اینکه جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین الملل با کشورهای مختلف روبرو است لذا برای برقراری مناسبات با هر یک از آنها، باید رفتار فرهنگی خاص آن را داشته باشد . نقش روابط فرهنگی در شکل دادن به هویت ملتها در سطح جهان و نتایج آن در منافع ملی هر کشور و همچنین اهداف، روشها و ابزار روابط فرهنگی نیازمند مطالعه و بررسی نظام مند است. اولویت این بخش از روابط خارجی برای هر کشوری به لحاظ فرهنگ، تاریخ و میراث تاریخی و فرهنگی متفاوت است . اگر فرهنگ به عنوان مجموعه ای از نظام های ارزشی یا تصوراتی در نظر گرفته شود، تعیین کننده رفتار اعضای یک گروه است و به آنها امکان می دهد که هویت خویش را بر پایه آن شکل دهند . در این صورت است که می توان روابط بین المللی فرهنگی را رابطه ها و مبادلاتی بین نظام های ارزشی و تصوراتی تلقی کرد که در هویت بخشیدن به گروه های ملی، زیر ملی و فوق ملی به کار می آید. در ادامه، این تحقیق به بررسی سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی (روابط فرهنگی بین المللی) در ارتباط با ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه فرهنگی کشورمان و همچنین به مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی نه کشور خارجی و آسیب شناسی روابط فرهنگی بین المللی پرداخته است. روش کار این تحقیق با دو روش کتابخانه ای و میدانی بوده و اطلاعات بر اساس این دو روش گرد آوری شده است. مصاحبه با ۷۵ نفر از رایزنان و کارشناسان فرهنگی اعزامی به خارج از کشور (از طریق روش تحقیق میدانی به صورت پیمایشی از نمونه آماری) برای کسب اطلاعات معتبر و موثق در خصوص راهکارهای موثر در دیپلماسی فرهنگی نیز از دیگر روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق بوده است.

کلیدواژه: بنیانهای فرهنگی، سیاست خارجی، روابط بین الملل، دیپلماسی فرهنگی، تبادل فرهنگی، توسعه فرهنگی روابط بین

فرهنگی، قدرت نرم، هویت فرهنگی

The Role of Culture in the Islamic Republic of Iran's foreign policy and A model for cultural diplomacy based on Expert opinion

Mohammad Mojaver Sheikhan

Foreign policy is somehow recognized by its underlying qualities and executive trend that reveals, in turn, the general conditions governing any given society. In other words, foreign policy is formed by a set of connected bonds in a long chain of social relationship, linked into the political, administrative, economic and cultural networks. Policy in this sense is a multi-dimensional system whose constituting bonds demand close understanding. Firstly because one can not know the policy in essence and practice without understanding its constructing network. Secondly, without prior knowledge it is difficult to improve systematically the political procedures. Thirdly, the comparative politics and policy evaluation would be barely accomplished. Since Culture forms a key element in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, we treated it, in the present research, with analytical approach to evaluate its effective contribution to Iran's foreign policy. Considering the fact that IRI interacts with many countries in the international arena, appropriate cultural behavior in foreign relations should be regulated according to cultures. The role of cultural relations in creating identity of nations across the world, its impacts on the national interests, its goals, methodology and the applicable instruments require special research. Every country has its own way of setting priorities in terms of its culture, history and historical heritage. If we take culture as a set of axiological systems or conceptions, it determines the behavior of a particular group, making them found their own identity on its bases. From this viewpoint, international relations bears various axiological transactions and concerns signifying national, sub-national and transnational identities. This research investigates into the actual mechanism of cultural diplomacy as regards Iran's special capacities. In this respect, 9 countries were compared from cultural diplomacy perspective to have a better pathological understanding of culture significance in international relations. Desk and fieldwork approaches were used for collecting appropriate data. 75 cultural attaches and Iranian experts abroad were interviewed to obtain valid data on effective cultural diplomacy, using field work and survey research with statistical samples.

Keyword: cultural fundamentals, foreign policy, International relations, cultural diplomacy, cultural exchange, cultural development, intercultural relations, soft power, cultural identity

فصل اول

کلیات تحقیق

فرهنگ یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است . اهمیت بنیادین و نقش زیربنایی فرهنگ در تکامل و تکاپوی انبای بشری به گونه ای است که می توان از آن به مثابه سرمایه، دستاورد و گنجینه ای از علوم، معارف، ارزش ها و سنت های زندگی یک گروه و ملت یاد کرد. فرهنگ بسان یک سازه اجتماعی است که در یک بستر تاریخی به تدریج با مصالح و عناصری متشکل از اعتقادات، ایستار ها، ارزش ها، آرمان ها، سنت ها و سلیقه ها ساخته و بازسازی می شود. فرهنگ عامل قوام و انسجام نظام اجتماعی است مظهر افتراقات و اشتراکات ذهنی و عینی است.(آشوری، ۱۳۷۹)

بنابراین، فرهنگ می تواند محملی برای انس و الفت، دوستی ها و همکاری ها متقابلاً زمینه ای برای سوء تفاهم ها، تنش ها و منازعات میان گروه های انسانی باشد. لزوم شناخت سایر ملت ها، جوامع و فرهنگ ها، داشتن ظرفیت دگر پذیری، احساس نیاز به دیگران و تقویت روحیه معاضدات و تشریک مساعی برای گسترش ارتباطات میان فرهنگی بوده اند. (پهلوان، ۱۳۷۸)

فرهنگ عمدتاً ناظر بر وجوه معرفتی، معنایی، ذهنی و فکری حیات انسان ها است و به قولی جنبه نرم افزاری تمدن ها را پوشش می دهد. در نتیجه طرز تعامل فرهنگ ها و ملت ها بازتابی از چگونگی و شرایط تعامل و ساخت معانی میان ذهنی است . اما حضور فرهنگ در نظریه پردازی روابط بین الملل با تأخیر فراوان صورت گرفت. مکتب موسوم به رئالیسم که به مدت سه دهه بر سیاست خارجی و بر نظریه پردازی روابط بین الملل سایه افکنده بود خود یکی از دلایل غفلت از فرهنگ و پرداختن به تاثیر آن در روابط بین الملل بود. زیرا مورگنتا - بنیان گذار رئالیسم جدید - به صراحت منکر تاثیر داده های فرهنگی در تصمیم گیری های سیاست خارجی شد. اوران یانگ اولین کسی بود که در نقد نظریه جهان دو قطبی، از غفلت دانشمندان از چند قطبی بودن فرهنگی جهان انتقاد کرد و گفت: «ممکن است جهان از نظر قدرت به دو قطب تقسیم شود اما از نظر فرهنگی چندین حوزه را می توان از هم تفکیک کرد: جهان مسیحیت، جهان اسلام، جهان بودیسم، هندوئیسم و غیره».(آشنا، ۱۳۸۳)

سپس کسانی مانند استانلی هافمن از "خلق و خوی" ملی به عنوان بستر اصلی رویکردهای سیاست گذاری خارجی یاد کرد و این مثال را بیان کرد که عملکرد خارجی آمریکایی ها ناشی از خصلت ملی آن هاست که فکر می کنند در جزیره امنی ایستاده اند و وظیفه دارند به نجات کسانی بپردازند که در اطراف آن ها در حالت غرق شدن هستند . آخرین رویکردها به فرهنگ در روابط بین الملل در نظریه کسانی چون فوکویاما و هانتینگتون منعکس شد که جهان را به حوزه های فرهنگی متعارض تقسیم کرد . اما امروز این سوال پیش می آید که این گونه تقسیم بندی ها که بیش تر رنگ و بوی ایدئولوژیک دارند تا چه حد با واقعیت هم خوانی

دارند. پژوهش‌های عمیقی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می‌دهد که برای مثال جهان اسلام با نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و تفاسیر متعدد و متنوعی روبه‌رو است که از کفرآمیزترین تا ارتودوکس‌ترین گرایش‌ها را در بر می‌گیرد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان دوره جنگ سرد، از جمله تحولات مهمی به شمار می‌آید که معنا و مقام سیاست خارجی را در عرصه سیاست بین‌الملل تحت تاثیر قرار داده است. از این منظر ماهیت قدرت متأثر از حاکمیت یافتن نظرات هنجاری، دستخوش تحول شده و شاهد شکل‌گیری گفتمان تازه‌ای از قدرت هستیم که با گذار از ساحت‌های نظامی، اقتصادی، فناوری و اطلاعاتی^۱ در چارچوب اصول فرهنگی استقرار یافته است. ظهور «قدرت فرهنگ» که به نظر می‌رسد کلیه منابع سنتی و متعارف قدرت را تحت الشعاع خود قرار داده، دلالت بر ضرورت بازاندیشی در عرصه سیاست خارجی - به مثابه الگوی منابع قدرت ملی برای دست‌یابی به حداکثر میزان از منافع ملی - در جهان جدید دارد. (همان، ۱۳۸۳)

بر این اساس تاثیرگذاری سیاست خارجی از «قدرت فرهنگ» حداقل در سه سطح قابل‌تصور است:

۱. نظریات سیاست خارجی متأثر از آموزه‌های نرم‌افزارانه ارائه شده از سوی مکاتب فرهنگی، تغییر ماهیت داده و از توجه صرف به کاربرد قدرت سخت، به نفع منابع جدید قدرت (که از آن به منابع قدرت نرم تعبیر می‌شود) عطف توجه می‌نماید. به همین خاطر است که می‌توان چنین پیش‌بینی نمود که الگوهای مشروع در عرصه سیاست خارجی بدون اتکاء به حمایت موثر ملت‌ها شکل نخواهند گرفت. به عبارت دیگر بحران مشروعیت دامن‌گیر الگوهای بسته‌ای خواهد شد که صرفاً در پی استفاده از زور و یا توان‌مندی‌های اقتصادی - فناورانه برای پیشبرد سیاست خارجی هستند.

۲. ضرورت اصلاح و تعدیل فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی، زیرا کارآمدی الگوهای سنتی و رایج در عرصه سیاست خارجی بدون لحاظ نمودن ماهیت مشارکتی قدرت، به زیر سوال می‌رود. توصیه به طراحی الگوهای «مشارکتی و باز» که توجه ویژه به افکار عمومی در سطح داخلی و خارجی دارند؛ می‌تواند از جمله ثمرات کاربردی ناشی از این سطح تحلیل باشد.

۳. اهداف سیاست خارجی متناسب؛ آرمان‌های هنجاری برآمده از درون ساختارهای فرهنگی، بایستی بازخوانی شود. امروزه نیاز به شکل‌گیری یک دستگاه هنجاری در گستره نظام بین‌الملل، که بتواند از عهده مدیریت رفتارها و حل و فصل اختلافات به صورت موثر برآید، به شدت احساس می‌شود و به همین خاطر است که مکاتب مختلف در تلاش هستند تا با تولید و عرضه چنین

^۱.Information

سازمان فرهنگی، مرجعیت خود را در نظام بین الملل اثبات نمایند. بدیهی است که در چنین فضایی دستگاه های فعال سیاست خارجی نمی توانند با آموزه های محدود و صرفاً ملی سنتی عمل نمایند و می طلبد تا فعالیت در چشم اندازی جهانی را در دستور کار خود قرار دهند. نتیجه این که ملاحظات فرهنگی به دلیل تبدیل شدن به یک منبع قدرت مستقل و مؤثر در گستره سیاست بین الملل، ایده، سازمان و منافع سیاست خارجی را به صورت همزمان تحت تأثیر قرار داده و معنای این سخن ضرورت بازاندیشی محتوایی - سازمانی در الگوی سیاست خارجی کلیه بازیگران است. (افتخاری، ۱۳۸۴)

به اعتقاد صاحب نظران کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی بطورعام و درحوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور درجوامع دیگر بطورخاص، درگرواستفاده درست از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی درچارچوب دیپلماسی فرهنگی است. تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از یک کشور یا یک حکومت دارند، تنها درسایه دیپلماسی فرهنگی قابل تغییر و اصلاح است. در کنار بکارگیری مجاری و کانال های دیپلماسی رسمی بایستی به شاهراه دیپلماسی فرهنگی توجه کرد و با برنامه ریزی حساب شده درحوزه های آموزشی، هنری و فرهنگی بهتروارزش های مطل وب کشور و تأمین منافع کشور اقدام نمود. تنها با ابزارهایی ازجنسفرهنگ می توان درعمق باورها و اعتقادات ملت ها رسوخ کرد وائتلاف ها و اتحادیه هایی پایدار را در نظام بین الملل بنیان نهاد.

بیان مسئله :

سیاست خارجی هر کشور دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی استراتژیک از یک سو و اولویتهای درجه بندی شده ای نسبت به مناطق و کشورهای مختلف از سوی دیگر است که ترکیب و تلفیق آنها رفتار خارجی آن کشور را شکل می دهد. بقای دولت دربستری از روندهای اجتناب ناپذیر جهانی از قبیل جهانی شدن تولید، گسترش ارتباطات ماهواره ای و انفورماتیک، پیدایش دنیای مجازی و ظهور بازیگران فراملی و فروملی متعدد و متنوع، اهمیت توجه به متغیرهای بسیاری را هم درعرصه سیاستگذاران برای تصمیم گیران سیاسی وهم درعرصه مطالعات علمی برای پژوهشگران ونظریه پردازان ضروری می نماید. به عبارت روشن تر، امروزه اگر دولت -ملتی به دنبال ارتقای جایگاه خود درن ظام جهانی وحضور فعال و موثر درفرایندهای آن باشد، ناگزیر است که عوامل تاثیرگذار را چه درسطح داخل وچه در سطح منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار دهد. (اشتریان، ۱۳۸۶)

سیاست خارجی، ابزار اصلی یک دولت برای ورود به مباحث ومسائل بین المللی است. اگر این سیاست برپایه شناخت دقیق وواقعی محیط بین المللی شکل گرفته باشد، می تواند زمینه بهره گیری از فضای بیرونی را برای توسعه داخلی پدید آورد. درغیر

اینصورت، رفتار خارجی می تواند عامل بازدارنده ای در روند توسعه یک کشور گردد. در شرایط جهان امروز، اتخاذ یک سیاست خارجی مناسب و معطوف به بهره مندی از فرصت های جهانی مستلزم توجه به شیوه های همگرایانه و مسالمت آمیز است. بی توجهی به این اصل، نتیجه ای جز تبدیل محیط خارجی به یک محیط تهدید زا و مشکل ساز برای کشور نخواهد داشت. عوامل موثر بر سیاست خارجی هر کشور را می توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد در بین عوامل داخلی، پاره ای جزو عوامل پایدار و پاره ای دیگر مانند رژیم سیاسی یا نظام اقتصادی جزو عوامل نیمه پایدار یا ناپایدار هستند. (حسن خانی، ۱۳۸۶)

عوامل جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی به دلیل دیرپایی و تأثیر ژرفی که به جای می گذارند جزو عوامل پایدار محسوب می شوند. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار خاص در اجرای سیاست خارجی می باشد. دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه ساز ارتقاء روابط دولتها و به تبع آن افزایش تفاهم میان ملتها و ایجاد صلح و ثبات بین المللی است. این ابزار مهم، از طریق گسترش مبادلات فرهنگی- هنری، توسعه همکاری های علمی- آموزشی و تعامل نخبگان جوامع، آموزش و رفع موانع موجود زبانی و ...، بسترهای مناسب درک متقابل جوامع انسانی از یکدیگر را فراهم می آورد. امروزه با ناکارآمدی راهکارهای نظامی در حل مناقشه ها و منازعات جهانی و برقراری امنیت بین المللی، نیاز به استفاده از این پدیده به عنوان راه حلی بنیادین در میان دولتها، بیش از پیش احساس می شود. (همان، ۱۳۸۶)

از میان این عوامل و عناصر هیچکدام به اندازه عامل فرهنگی دیرپاتر و تأثیرگذارتر نیست و خاستگاه همه ابعاد آنها از فرهنگ آن کشور است. به نظر می رسد دیپلماسی فرهنگی می تواند عرصه ظهور همه ظرفیت های بالقوه و قابلیت های تاریخی، علمی و هنری یک کشور در حوزه هایی از قبیل ادبیات، شعر، سینما، موسیقی و سایر زیر شاخه های فرهنگ و هنر گردد. به طور کلی شناخت خطاهای گذشته برای طراحی یکی دیپلماسی فرهنگدوستانه ضروری است. در فضای دیپلماسی فرهنگی که هر کشور بدنبال آن است که تصویر خود را در میان مردم دیگر جوامع مثبت و سازنده نشان دهد، به نظر می رسد جمهوری اسلامی ایران فاقد چنین ابزارهایی است. در عین حال که ایران دارای جاذبه های متفاوت و جالب برای طبقات مختلف اجتماعی است، اما تاکنون کمتر به این موضوع مهم پرداخته شده است. بنظر می رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می تواند در زمینه های زیر فعال باشد:

*ارائه ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی بعنوان یکی از تمدن های بزرگ جهان

*ارائه تصویری خالص و مبتنی بر ارزشها از اندیشه اسلامی

*تصویر سازی از تلفیق فرهنگ ایرانی با اندیشه اسلامی که عمدتاً در مفاهیم شیعی متبلور است.

*تبلیغ سنت ها، باورها، ایستارها، تاریخ، آثار و مظاهر باستانی، خرده فرهنگ ها و فرهنگ عمومی ایرانیان به مردمان سایر

کشورها

به نظر می رسد بررسی ابعاد مختلف نقش فرهنگ در سیاست خارجی، و شناسایی نقاط ضعف و قوت و فرصت ها و تهدید های موجود در حوزه روابط فرهنگی بین المللی جمهوری اسلامی ایران و بهره گیری از تجربیات کشورهای پیشرو در امر دیپلماسی فرهنگی می تواند در طراحی مدل والگوی مناسب دیپلماسی فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران موثر واقع گردد.

اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق :

این تحقیق از ضرورت علمی و کاربردی برخوردار است. به عبارتی می بایست الگوهای جدیدی برای ارتقاء روابط فرهنگی بین المللی کشورمان در سطح جهانی جستجو شود.

در عصر اطلاعات که کشورهای قدرتمند برای دست یابی به تکنولوژی های فرهنگی از یکدیگر سبقت می گیرند . و همچنین نیازمند آن است که از تحولات جدیدی که در چگونگی تعاملات بین المللی صورت می گیرد. مطلع شده و موقعیت های تازه ای برای ایران تعریف نمود.

تحولات جهانی این ضرورت را پیشروی ما قرار داده است که الگوی جدیدی را برای تعاملات بین المللی و به دست گرفتن ابتکار عمل جستجو کنیم. به باور بسیاری از نظریه پردازان روابط بین الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلاای اعمال قدرت نرم می باشد که به کشورها این امکان و توان را می دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش ها و ایده ها ترغیب به همکاری نمایند. قدرت به معنای توانایی نفوذ برای تغییر در رفتار دیگران جهت رسیدن به نتیجه مطلوب معنا میشود. قدرت نرم به معنای توانایی جذب دیگران بسوی ایران بدون استفاده از زور و یا پول است. منابع قدرت نرم عبارتند از فرهنگ، کمال مطلوب سیاسی و سیاست ها. فرهنگ یک کشور می تواند برای دیگر کشورها منشاء جذابیت باشد در سطح کشورها، مشروعیت در ایجاد قدرت نرم بسیار موثر است. همکاری باعث خواهد گردید تا دیگران معطوف به اهداف کشور شده و منافع ملی آن کشور را شناسایی نمایند. قدرت نرم ایران در سیاست خارجی می تواند در ایجاد تصویر مثبت از این کشور فعال شود. قدرت نرم ایران در فرهنگ، تاریخ، تمدن، ارزشهای سیاسی، قانون اساسی مبتنی بر ارزشهای دموکراتیک، مشارکت مردم در حکومت، اقتصاد پویا، و روند مباحثات نظری در میان نخبگان ریشه دارد

بنابراین این تحقیق در پی آن است که با پرداختن به موضوعات فوق الذکر، مؤلفه های فرهنگی موثر در سیاست خارجی و ساماندهی فعالیت های فرهنگی بین المللی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در راستای منافع ملی و ترویج ارزشهای آرمانی اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی بتواند الگوی کاربردی و مطلوب برای دیپلماسی فرهنگی را ارائه دهد.

سئوالات اصلی تحقیق:

این تحقیق بدنبال یافتن پاسخی برای این سؤال اصلی است که نقش و تاثیر مؤلفه های فرهنگی در شکل گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست و یا چگونه می تواند باشد؟

برای یافتن پاسخ این سؤال به بررسی چند سؤال فرعی به شرح زیر ضروری می نماید:

سوالات فرعی:

1. شناسایی تناسب بین سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با ظرفیت های فرهنگی و قدرت

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

2. آیا با بررسی و مطالعه تطبیقی الگوهای دیپلماسی فرهنگی کشورهای پیشرو می توان به الگوی مناسب و قابل اجراء برای

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد؟

3. تا چه میزان شناسایی نقاط قوت و ضعف محیط داخلی و فرصت ها و تهدیدهای محیط خارجی روابط فرهنگی بین

المللی کشورمان می تواند در طراحی مدل مطلوب و مناسب دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا، موثر باشد؟

اهداف تحقیق:

هدف پژوهش ابتدا بررسی میزان نقش و تاثیر مؤلفه های فرهنگی در شکل گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می باشد

و در مرحله بعد شناسایی و بررسی سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که آیا سازوکارهای کنونی متناسب

با ظرفیت ها و قدرت فرهنگی کشورمان می باشد یا خیر؟ و همچنین بررسی الگوها و مدل های دیپلماسی فرهنگی کشورهای

مختلف به منظور استفاده از تجربیات آن کشورها و در نهایت آسیب شناسی روابط فرهنگی بین المللی کشورمان می باشد تا بتوانیم

مدلی عملیاتی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهیم بنابراین در این تحقیق سعی می شود به اهداف اصلی و

فرعی بشرح زیر پرداخته شود: